

رهیافتی بر گونه‌شناسی حدیث؛ مطالعه موردی گزاره حدیث‌انگاران *

علی حسن بیگی^۱

چکیده

اعتبارسنجی حدیث در میان عالمان حدیث از جایگاه مهمی برخوردار است. آنان با کاربری معیارهای نقد سند و متن، می‌کوشند گزاره‌های حدیثی اصیل را از گزاره‌های حدیث‌نما تفکیک کنند. به نظر می‌رسد تاکنون توجهی به گونه‌شناسی گزاره‌های حدیث‌نما، جز حدیث جعلی، نشده است. در نتیجه کاربری معیارهای نقد حدیث، نتوانسته برخی گزاره‌های حدیث‌نمای مشابه با گزاره‌های حدیثی اصیل را پالایش کند. گزاره‌های حدیث‌انگاران یکی از گونه‌های حدیث‌نماست. این نوشتار در صدد بیان مؤلفه‌ها و خاستگاه‌های گزاره‌های حدیث‌انگاران است. نگارنده با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به این نتیجه رسید که یکی از گزاره‌های حدیث‌نما، گزاره‌های حدیث‌انگاران است. از میان عوامل پدیداری این گزاره‌ها، می‌توان به باورهای کلامی، اهمیت موضوع و تطبیق اشتباه اشاره کرد. واژگان کلیدی: گزاره‌های حدیث‌نما، گزاره‌های حدیث‌انگاران، گزاره‌های حدیثی اصیل، باورهای کلامی.

* تاریخ ارسال: ۱۳۹۹/۱۰/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۱۶ (مقاله پژوهشی)

۱. دانشیار گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی دانشگاه اراک / araku.ac.ir@hasanbagi-a

۱- مقدمه

اهمیت حدیث در گستره معارف دینی سبب گردید که همواره عالمان مسلمان به آن توجه کنند. حدیث از مرحله صدور تا نقل و تدوین، دچار آسیب‌هایی از قبیل نقل به معنا، تصحیف، تقطیع و... گشته است. از میان آسیب‌های حدیث، «جعل» مهم‌ترین آسیبی است که حدیث از ابتدا دچار آن شد، لذا از میان دانش‌های حدیثی، دانش نقد حدیث از جایگاه بالایی برخوردار گشت. برخی دانشوران و فضلان مسلمان در سده اول هجرت به اعتبارسنجی حدیث روی آوردند. برای مثال حضرت فاطمه (س) حدیث «إِنَّمَا مَعْشَرُ الْأَنْبِيَاءِ لَا نُورٌ مَّا تَرَكَنَا صَدَقَةٌ» که از سوی ابوبکر نقل شد با عرضه بر قرآن اعتبارسنجی کرد (ابن ابی الحدید، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۶/ ابن طیفور، بی‌تا، صص ۲۶ و ۳۱). در ابتدای قرن دوم روش مقایسه سال‌های با یکدیگر و کاربست آن در پالایش و اعتبارسنجی حدیث در میان محدثان مرسوم بوده است. برای مثال، سفیان ثوری (۹۵-۱۴۴ق) از محدثان برجسته اهل سنت در قرن دوم می‌گفت: هرگاه راویان به دروغگویی روی آورند، برای کشف دروغ از تاریخ استفاده می‌کنیم (خطیب بغدادی، ۱۴۰۵، ص ۱۴۷). همچنین حسان بن زید (حماد بن زید) (۹۸-۱۷۹ق) از عالمان و محدثان قرن دوم می‌گفت: هیچ چیزی همچون تاریخ علیه دروغ‌گویان نیست؛ از مُحدِّث و راوی می‌پرسیم چه سالی متولد شده‌ای؟ از پاسخ‌راستگویی و دروغگویی مشخص می‌گردد (همو، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۳۶۹).

گفتنی است این تلاش‌ها بیشتر، معطوف به جداسازی گزاره‌های جعلی حدیث از گزاره‌های حدیثی اصیل گشت. به عبارت دیگر، خوانندگان پژوهش‌های حدیثی با گزاره‌های حدیثی اصیل و جعلی روبه‌رو می‌شوند؛ ولی توجهی به برخی از گزاره‌های حدیث‌نما نشده است. بر این اساس، برخی از گزاره‌های حدیث‌نما، گزاره حدیثی اصیل تلقی شد. این نوشتار در صدد بررسی مؤلفه‌ها و زمینه‌های پدیداری یکی از گزاره‌های حدیث‌نما موسوم به گزاره‌های حدیث‌انگارانه است.

چنان‌که اشاره شد، برخی دانشوران و محدثان در سده اول و دوم هجرت به ارزیابی و اعتبارسنجی حدیث مبادرت کردند. آنان با استفاده از شیوه نقد خارجی و متنی حدیث، تلاش کردند تا میراث حدیثی را از آسیب‌ها و آفت‌ها پالایش کنند. گفتنی است در گذشته عالمان در بحث‌های فقهی و حدیثی با کاربست قواعد و معیارهای نقد به پالایش حدیث اقدام کرده‌اند. برخی نیز با ذکر چند معیار به روند ارزیابی حدیث کمک به سزایی کردند (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۸/ طوسی، ۱۳۷۵، ج ۱، صص ۱۴۴-۱۴۶/ حر عاملی، ۱۴۲۰، ج ۲۰، صص ۹۳-۹۶)؛ ولی هیچ‌گاه از سوی آنان قواعد و معیارها به‌صورت منسجم و جداگانه ارائه نگشت. در دوره معاصر و در اثر آشنایی مسلمانان با تمدن جدید و طرح پرسش‌های نوپیرامون حدیث، عالمان کوشیدند میراث حدیثی را بازخوانی کرده و با نگارش کتاب‌هایی از قبیل «الحديث النبوی بین الروایة و الدرایة»، «معرفة الحديث»، «نقد الحديث فی علم الروایة و الدرایة»، «الموضوعات فی الآثار و الاخبار»، «منهج النقد فی علم الحديث»، «فقه الحديث و روش‌های نقد متن»، «وضع و نقد حدیث» و «روش‌شناسی نقد احادیث» به ارائه قواعد و اصول نقد بصورت مستقل اقدام کنند. به احتمال زیاد، نگارش «مشرعة بحار الانوار»، «معجم الاحادیث المعتربة» و «سلسلة الاحادیث الضعيفة»، بر اثر توجه جدی به تک‌نگاری پیرامون نقد حدیث است. قابل یادآوری است مقالاتی نیز درباره نقد حدیث نگاشته و منتشر شده است.

نگارنده، ضمن ارجگذاری بر این کوشش‌ها متذکر می‌شود که همه تلاش‌ها معطوف به بازشناسی یکی از گونه حدیث‌نما یعنی حدیث جعلی است.

۲- مفهوم شناسی حدیث

واژه حدیث در اصطلاح عبارت است از: گزاره‌ای است که از سنت (قول، فعل و تقریر معصوم) حکایت می‌کند (صدر، بی تا «ب»، ص ۸۰). قابل یادآوری است معنای اخص حدیث (حکایت از قول معصوم) در این نوشتار مقصود نیست، بلکه معنای اعم آن (حکایت از قول، فعل و تقریر معصوم) مقصود است. همچنین معنای مذکور از حدیث، منحصر به پیامبر اسلام (ص) و امامان (ع) نیست، بلکه شامل انبیای گذشته نیز می‌شود.

۳- گونه‌شناسی حدیث

تاکنون پژوهشگران، حدیث را به اعتبار اصالت و عدم اصالت به گزاره‌های حدیثی اصیل و جعلی تقسیم کرده‌اند. در ذیل به گونه‌های حدیثی اشاره می‌گردد:

۱- ۳- گزاره حدیثی اصیل

گزاره حدیثی اصیل، گزارشی از سخن، رفتار و تقریر معصوم (ع) توسط راوی است. برای مثال، امام صادق (ع) در حدیثی معتبر می‌فرماید: فاطمه (س) بعد از رحلت پیامبر (ص)، هفتاد و پنج روز زیست. او در این هفتاد و پنج روز بسیار اندوهگین بود. جبرئیل نزد او می‌آمد و او را در باره درگذشت پدرش تسلی و دل‌داری می‌داد. از جایگاه پیامبر (ص) در بهشت و رویدادهایی که در باره فرزندانش رخ خواهد داد سخن می‌گفت. علی (ع) آن مطالب را نگاشت که همان مصحف فاطمه است (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۴۱/ محسنی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۲۰۹).

برخورداری از سند، انعکاس در منابع حدیثی و عدم مخالفت با قواعد و معیارهای نقد حدیث، مهم‌ترین ویژگی گزاره‌های حدیثی اصیل است. البته این به معنای پیراستگی سند و متن از هر آسیبی نیست، بلکه سند برخی از گزاره‌های حدیثی مذکور دچار آسیب‌هایی از قبیل اشتراک، تصحیف و جهالت راوی، گشته است. متن برخی گزاره‌های حدیثی اصیل نیز دچار تغییراتی از قبیل تصحیف، تقطیع و قلب شده است. بر این اساس، نباید گمان کرد که حدیث همان‌گونه که از معصوم (ع) صادر شده، بدون تغییر به نسل‌های بعدی رسیده است. یکی از دانشبان حدیث نوشته است: «ناآشنایان به حدیث گمان می‌کنند احادیث پیامبر (ص) - که در کتاب‌ها خوانده می‌شود، بدون هیچ تغییری به نسل‌های بعدی رسیده است. در تصور آنان صحابه و تابعان، احادیث را بی‌کم و کاست حفظ کرده و به تدوین‌کنندگان حدیث رسانده‌اند» (ابوری، ۱۴۲۰، صص ۷۸-۷۹).

۲-۳- گزاره حدیث جعلی

گزاره حدیث جعلی، حاصل ساخت و پرداخت ذهن جعل‌کننده است. به عبارت دیگر، جاعل در صدد القاء مطلبی در قالب حدیث است که البته این گزاره‌ها با کاربری معیارهای نقد از قبیل قرآن، سنت، مسلمات دینی و مذهبی، عقل، حس و تجربه، علم قطعی، تاریخ معتبر، از گردونه اعتبار خارج می‌گردند (مسعودی، ۱۳۸۸، صص ۲۳۵، ۲۴۳، ۲۵۲، ۲۵۷، ۲۶۷، ۲۷۰، ۲۷۴). برای مثال ابن عمر می‌گوید: عبد الله ابن اُبی از دنیا رفت، فرزند او نزد پیامبر آمد و از پیامبر خواست که پیراهنش را به او دهد تا پدرش را در آن کفن کند. پیامبر پیراهن خویش را به او داد. او همچنین از پیامبر (ص) خواست که بر جنازه پدرش نمازگزارد. هنگامی که پیامبر (ص) خواست بر او نماز گزارد، عمر لباس پیامبر (ص) را کشید و گفت: تو می‌خواهی بر او نماز خوانی؟! درحالی‌که او از منافقان است و خداوند تو را از چنین کاری منع کرده است. پیامبر (ص) فرمود: خداوند مرا مخیر کرده و فرموده است: چه استغفار کنی و چه استغفار نکنی برای آنان یکسان است، حتی اگر هفتاد بار هم برای آنان استغفار کنی، خداوند آنان را نمی‌بخشد و من می‌خواهم بیشتر از هفتاد بار برای او استغفار کنم (تا خدا او را ببخشد). عمر گفت: عبد الله بن اُبی منافق است. ولی پیامبر بر او نماز خواند. سپس آیه شریفه نازل شد: ﴿وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ﴾ (توبه: ۸۴/۹): بر هیچ یک از منافقان نماز نخوان و نزد قبر اینان درنگ نکن (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۷۶، ج ۵، ص ۲۰۶/مسلم، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۲۲). آن چه این حدیث را از گردونه اعتبار خارج ساخته، دلالت آن بر بی‌اطلاعی و ناتوانی پیامبر (ص) از درک کنایه‌ای است که در آیه شریفه به کار رفته است با آنکه هر آشنای به زبان عربی آن را درک می‌کند تا چه رسد به پیامبر (ص) که عرب زبان اصیل بوده و عمرش را در حجاز سپری کرده است.

۳-۳- گونه‌شناسی گزاره‌های حدیث‌نما

گزاره‌های حدیث‌نما گزاره‌هایی شبیه به گزاره‌های حدیثی اصیل است و بر پایه عدم حکایت‌گری صریح و غیر صریح به چهار گزاره جعلی، همانندساز، پس‌گویانه و حدیث‌انگارانه تقسیم می‌گردد. بیشتر گزاره حدیث جعلی توضیح داده شد. در ادامه به دیگر موارد، اشاره خواهد شد:

۱-۳-۳- گزاره حدیثی همانندساز

گزاره حدیثی همانندساز، یکی از اقسام گزاره حدیث جعلی است؛ ولی به دلیل این که متبادر از گزاره حدیث جعلی، گزاره‌ای است که جاعل بدون پیشینه به جعل اقدام می‌کند، لذا گزاره حدیثی همانندساز که جاعل بر پایه پیشینه‌ای به جعل حدیث مبادرت می‌کند، جداگانه ذکر گردید. در توضیح گزاره حدیثی همانندساز می‌توان گفت: گاه رفتار پسندیده یا ناپسندی از سوی کسی سرزده است، ولی راوی و محدث به عللی، آن را به شخص دیگری نسبت می‌دهد که از این عمل به همانندسازی تعبیر می‌شود. در این قسم با

توجه به صدور رفتاری پسندیده یا زشت از سوی کسی، راوی در جهت فضیلت و یا تطهیر و تبرئه او، عمل مذکور را به کسی که همگان بر قداست او اذعان دارند، نسبت می‌دهد؛ چنان‌که پس از به قدرت رسیدن حاکمان اموی و عباسی و ظهور رفتارهای غیر انسانی از آنان، نیاز به توجیه دینی رفتارهای مذکور در افکار مردم، احساس شد. یکی از این ابزارها، همانندسازی میان رفتار آنان و شخصیت‌های مقدس اسلامی از قبیل پیامبر (ص) بود. برای مثال، آنان از بریدن دست مخالفان خود، کور کردن، شلاق زدن، گرسنگی دادن آن‌ها و همچنین انداختن نزد درندگان، دریغ نمی‌کردند (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۴۶۲ / ابن ابی الحدید، بی‌تا، ج ۱۱، صص ۴۳-۴۶ / اصفهانی، ۱۳۷۴، صص ۴۰۲-۴۰۳ / حسن‌بیگی، ۱۳۹۵، صص ۶۰-۶۱). در این فضا و شرایط برای توجیه رفتار مذکور، برخی راویان گزارش کرده‌اند که پیامبر (ص) دست شخصی را با میخ به دیوار کوئید (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۷۶، ص ۲۰۳ / حسن‌بیگی، همان). لازم به یادآوری است که امام باقر (ع) درباره نسبت مذکور به پیامبر (ص) می‌فرماید: این نسبت را انس بن مالک به پیامبر (ص) داد و همین سبب گردید که حاکمان شکنجه را روا دارند (همان). یا در گزارش دیگری آمده که در غزوه خیبر، کنانه بن ربیع یهودی، محل گنجی را پنهان کرد. پیامبر (ص) به زیبر، دستور داد او را شکنجه کند تا محل گنج را افشا نماید، زیبر هم او را شکنجه کرد، ولی او از افشای آن خودداری کرد (ابن هشام، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۵۱ / حسن بیگی، همان).

۲-۳-۳- گزاره‌های حدیثی پس‌گویانه

گزاره‌های حدیثی پس‌گویانه یکی از اقسام گزاره‌های حدیث‌نماست. توضیح آن که گاه پیش از وقوع رویدادی، معصوم (ع) در رد یا تأیید آن سخنی می‌گوید. چنین سخنانی را «پیش‌گویی» نامند و گاه حادثه‌ای رخ داده و افرادی در جهت تأیید یا رد آن سخنانی را با لحن پیش‌گویی به معصوم (ع) نسبت می‌دهند، چنین سخنانی مصداق «گزاره‌های حدیثی پس‌گویانه» است. در ذیل به دو نمونه از گزاره‌های حدیثی پس‌گویانه اشاره می‌شود:

۱-۲-۳-۳- بشارت پیامبر (ص) به فتح ایران و روم توسط مسلمانان

گزارش کرده‌اند که پیامبر به مسلمانان در جنگ خندق بشارت فتح ایران و روم را داد (ابن هشام، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۳۰ / طبری، بی‌تا، ج ۲، صص ۲۳۵-۲۳۶ / ابن کثیر، ۱۴۰۸، ج ۳، صص ۱۹۱-۱۹۲ / حسن بیگی و مهدوی فرد، ۱۳۹۷، صص ۵۲-۵۳). درباره بشارت‌های نبوی می‌بایست به سه نکته ذیل توجه کرد: اولاً، احادیث و سیره نبوی، پس از یک قرن، نوشته شد (ابن بکار، ۱۳۷۴، ص ۳۳۲ / ابن سعد، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۴۱۷ / ابوریح، ۱۴۲۰، صص ۲۷۱-۲۷۲ / معارف، ۱۳۷۷، ص ۱۱۰)، لذا در این فاصله کم و زیاد شدن گفته‌ها و عملکرد پیامبر (ص)، دور از ذهن نیست. ثانیاً، بسیاری از سخنان پیامبر (ص) نقل به معنا شده است (حلی، ۱۴۰۳، ص ۱۵۳ / بروجردی، ۱۳۷۴، ص ۳۱ / منتظری، ۱۳۶۲، ص ۱۸۳)، لذا بعید نیست که پیامبر به مسلمانان خبر از فتح ایران و روم داده باشد، ولی راویان سخن او را در توجیه و تأیید فتوحات از سوی پیامبر (ص) در قالب بشارت نقل کرده‌اند و روشن است که خبر از رویدادی دلیل بر تأیید آن نیست.

ثالثاً، به نظر می‌رسد با توجه به انگیزه‌های فاتحان و برخی پیامدهای ناگوار فتوحات (حسن بگی و مهدوی فرد، ۱۳۹۷، صص ۵۲-۵۳) و ناهماهنگی میان رفتار و اهداف پیامبر (ص) از غزوه‌ها و سریه‌ها با اهداف و رفتار فاتحان، بشارت‌های مذکور بیشتر «پس‌گویی» است تا «پیش‌گویی».

۲-۲-۳-۳- تأیید قیام زید و حسین بن علی (شهید فحّ)

برخی نویسندگان در باره تأیید قیام زید بن علی و حسین بن علی^۱ (شهید فحّ) و انگیزه الهی آنان در قیام، به روایاتی از معصومان (ع) تمسک می‌جویند (رضوی اردکانی، ۱۳۷۵ الف، صص ۳۲۵ و ۱۳۷۵ ب، صص ۶۶-۶۹)؛ غافل از این که بسیاری از روایات مورد استناد^۲ در منابع زیدیه، همچون «مقاتل الطالیین» ذکر شده است که به احتمال زیاد، آن هم در این حجم، ساخته و پرداخته زیدیه و مصداق پس‌گویی (به خصوص روایات منقول از پیامبر (ص) و امامان تا امام باقر (ع) است. بی‌تردید اگر قیام زید از سوی امامان شیعه تأیید شده بود، نمی‌بایست این قدر مورد بی‌اعتنایی شیعیان قرار گیرد؛ به صورتی که هیچ یک از آنان، جز «سلیمان بن خالد» در این قیام شرکت نکرد (نجاشی، ۱۴۱۸، ص ۱۸۸). همچنین اگر قیام شهید فحّ، مورد تأیید امام موسی بن جعفر (ع) بود، چرا شهید فحّ، امام را به مسجد احضار و از او درخواست بیعت کرد؟ و امام هم با درخواست او مخالفت ورزید؟ (اصفهانی، ۱۳۷۴، صص ۳۷۵/حسن بگی، ۱۳۹۶، ص ۱۳۶).

۳-۳-۳- گزاره‌های حدیث‌انگاران

گزاره‌های حدیث‌انگاران یکی از اقسام گزاره‌های حدیث‌نماست. پدیداری گزاره‌های حدیث‌انگاران، نتیجه تولید آن از سوی دانشیان حدیث، تفسیر، کلام و تاریخ است. این گزاره‌ها گاه با لحن گزاره‌های حدیثی اصیل نقل می‌شوند. گفتنی است در تولید گزاره‌های حدیثی مذکور، نیت تولیدکننده جعل و وضع نیست.

۱-۳-۳-۳- پیشنهاد گزاره‌های حدیث‌انگاران

قابل یادآوری است دانش تاریخ در میان مسلمانان در بستر دانش حدیث نشو و نما کرده است. از همان قرن دوم که مورخان اقدام به تدوین تاریخ کردند، روش تاریخ‌نگاری و ارزیابی گزاره‌های آن کاملاً متأثر از دانش حدیث گشت، لذا یک نوع داد و ستد دو سویه به لحاظ روش نگارش، روش ارزیابی و آسیب‌ها میان این دو دانش برقرار گردید. از آسیب‌هایی که دانش تاریخ به آن دچار شد، تولید گزاره‌های تاریخ‌انگاران از سوی دانشیان بود. کم‌کم این آسیب به دانش حدیث نیز سرایت کرد. در ادامه به نمونه‌ای از گزاره‌های تاریخ‌انگاران اشاره می‌شود.

۱. حسین بن علی از نوادگان امام حسن (ع) در سال ۱۶۹ هجرت علیه هادی خلیفه عباسی قیام کرد و در سرزمین فح در نزدیکی مکه به شهادت رسید (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۹، ص ۹۰/ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۷۴، صص ۲۸۹-۲۹۰).

۲. گفتنی است بسیاری از روایات مورد استناد، به لحاظ سند، ضعیف می‌باشند (خویی، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۴۴/حسن بگی، ۱۳۹۶، ص ۱۳۶).

ه) به احتمال زیاد گزاره‌های حدیث‌انگارانه حاصل استنباط محدث و پژوهشگر حدیث است.^۱ مثلاً محدث و مورخ شیعی چون معتقد است که امام را امام دفن می‌کند، نتیجه می‌گیرد جنازه امام حسین (ع) توسط امام سجاد (ع) دفن گردید.

و) گزاره‌های حدیث‌انگارانه، گاه با تغییری مشابه گزاره‌های اصیل تاریخی، مطرح می‌شوند. برای مثال، گزاره تاریخی می‌گوید: دفن شهدای کربلا توسط بنی‌اسد صورت گرفته است (بلاذری، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۴۱۱/طبری، بی تا، ج ۵، ص ۴۵۵/مفید، ۱۳۸۰، ص ۴۷)؛ ولی گزاره حدیث‌انگارانه، مشابه این امر را به امام سجاد (ع) نسبت می‌دهد (مجلسی، ۱۳۸۰، ص ۳۸۰/قمی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۶۱۶/حسن بگی، ۱۳۹۶، ص ۷۳).^۲

ز) گزاره‌های حدیث‌انگارانه می‌خواهند آن چیزهایی را بیان کنند که باید در نظر باورمند باشد. به عبارت دیگر گزاره‌ای حدیث‌انگارانه به جای حکایت از قول، فعل و تقریر معصوم، حکایت از باورهای باورمند می‌کند.

ح) گسترش سریع گزاره‌های حدیث‌انگارانه در میان نوشته‌های باورمندان، ویژگی دیگر این گزاره‌هاست. ط) نداشتن سوءنیت از سوی تولیدکنندگان گزاره‌های حدیث‌انگارانه از ویژگی این گزاره‌هاست. به بیان دیگر پیش‌فرض‌ها و باورهای کلامی چنان بر ذهن باورمند، تسلط یافته‌اند که این گزاره‌ها بدون نیت جعل از سوی باورمند، تولید می‌گردد.

ی) باز تولید، ویژگی گزاره‌های حدیث‌انگارانه است. به عبارت دیگر، پس از تدوین منابع حدیثی، پرونده پدیداری حدیث بسته شده؛ ولی پرونده بازتولید گزاره حدیث‌انگارانه همواره گشوده مانده است.

ک) باتوجه به ویژگی گزاره‌های حدیث‌انگارانه، می‌توان ادعا کرد که مفاد گزاره‌های حدیث‌انگارانه به دلیل خاستگاه آن‌ها (پیش‌فرض‌ها و باورهای کلامی) در بسیاری از موارد برای باورمندان، یقین‌آور است؛ در صورتی که گزاره‌های حدیثی اصیل (خبر واحد) فاقد ویژگی یقین‌آوری هستند.

ل) گزاره‌های حدیث‌انگارانه فاقد سند می‌باشد، لذا راه ارزیابی سندی بر روی پژوهشگر حدیث مسدود است.

م) گزاره‌های حدیث‌انگارانه، فاقد منبع حدیثی است. منبع گزاره‌های حدیث‌انگارانه ذهن و استنباط باورمند است.

۱. پژوهشگر با تشکیل صغری و کبری به نتیجه (گزاره حدیث‌انگارانه) دست می‌یابد. برای مثال می‌گوید: حسین بن علی (ع) امام است. جنازه امام را امام دفن می‌کند. پس جنازه امام حسین (ع) توسط امام دفن شده است.

۲. لازم به یادآوری است که مرحوم شیخ عباس قمی در باره دفن امام حسین (ع) می‌نویسد: اگرچه به حسب ظاهر طایفه بنی‌اسد حضرت سیدالشهداء (ع) را دفن کردند، اما در واقع حضرت امام زین العابدین (ع) آمد و آن حضرت را دفن کرد (قمی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۶۱۶). به نظر می‌رسد شیخ عباس قمی «تفکیک میان ظاهر و باطن» را از شیخ حر عاملی اخذ کرده است. شیخ حر عاملی در ذیل روایتی موثق که امام سجاد (ع) وصیت می‌کند: «زمانی که از دنیا رفتم، مرا فلان کنیز غسل دهد» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۴۴/خویی، ۱۴۱۱، ج ۸، ص ۱۴۱) و آن کنیز امام (ع) را غسل داد. می‌نویسد: امام باقر (ع) در واقع (باطن) عهده‌دار غسل امام زین العابدین بوده است (حر عاملی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۷۱۸).

۳-۳-۳-۳-زمینه‌های پدیداری گزاره‌های حدیث‌انگاران

پدیداری گزاره‌های حدیث‌انگاران در گرو عوامل و زمینه‌هایی است که در ادامه به برخی آن‌ها اشاره می‌شود.

۳-۳-۳-۱- باورهای کلامی

باورهای کلامی به آن دسته از باورهایی اطلاق می‌شود که باورمند به آن یقین دارد و خاستگاه آن، عقل، نقل معتبر یا حسن ظن (خوش‌گمانی به افراد) است. باورهایی همچون عصمت پیامبر اکرم (ص)، علم امام (ع)، تحریف‌ناپذیری قرآن کریم، عدالت صحابه و... از این قبیل اند (حسن‌بیگی، ۱۳۹۵، صص ۲۰۸-۲۰۹). به نظر می‌رسد یکی از زمینه‌های تولید گزاره‌های حدیث‌انگاران، باورهای کلامی است. در ذیل به برخی نمونه‌ها اشاره می‌شود:

الف) انتساب «مصباح الشریعه» به امام صادق (ع): شیعیان معتقدند امام (ع) دارای دانش گسترده‌ای است (ابن‌بابویه، ۱۳۷۱، ص ۸۳/ طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۲، صص ۱۳۸-۱۴۴/ امینی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۴۱ و ۱۶۵/ حلی، ۱۴۰۷، صص ۳۶۷-۳۷۲/ فاضل مقداد، ۱۳۸۰، صص ۳۳۵-۳۴۲/ مظفر، بی‌تا، صص ۶۳-۷۶). در نتیجه برخی تصور می‌کنند که مضمون عالی همواره از سوی معصوم (ع) صادر می‌شود. به عبارت دیگر علو متن، دلیل بر صدور آن از سوی معصوم (ع) است. بر این اساس اولین بار سید بن طاووس در قرن هفتم بدون ذکر سند «مصباح الشریعه» را به امام صادق (ع) نسبت داد (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۹۴). افرادی که معتقدند علو مضمون دلیل بر صدور متن از سوی معصوم است در بحث‌های اعتقادی، اخلاقی و عرفانی به مصباح الشریعه استناد می‌کنند (امینی، ۱۳۷۲، صص ۹۰، ۱۹۸، ۲۰۸، ۲۵۷/ حسینی طهرانی، ۱۴۲۰، ج ۱، صص ۱۶۵، ۱۴۱۴، ۱۶۷ و ۱۴۳۳، ج ۱، صص ۹۵، ۱۱۹، ۱۰۷، ۲۲۰، ۴۴۵، ۵۳۵، ۶۶۶، ۶۷۸، ۶۸۶؛ ج ۲، صص ۷۳، ۴۹۵، ۵۰۵). از سوی دیگر افندی، حر عاملی، علامه مجلسی، حسن صدر، آیت الله بروجردی، امام خمینی و... معتقدند که این کتاب از صوفیان است (افندی، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۶/ مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۳/ امین، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۶۶۸/ صدر، بی‌تا «الف»، ص ۱۹/ شبیری زنجانی، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۴۹۸/ خمینی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۲۰/ حکیم زاده، ۱۳۸۰، صص ۱۳۴-۱۷۴-۱۷۵).

ب) ذیل دعای عرفه «الهی اَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا فِي فَقْرِي...» به امام حسین (ع) نسبت داده شده است (سید بن طاووس، ۱۳۶۷، ص ۳۳۹/ مجلسی ۱۳۸۶، ج ۹۸، صص ۲۲۵-۲۲۷/ قمی، ۱۳۷۶، صص ۴۴۹-۴۵۴). برخی عالمان بر پایه علو مضمون، معتقدند که ذیل دعای مذکور از امام حسین (ص) صادر شده است (شبیری زنجانی، ۱۳۹۳، ج ۳، ص ۲۵۶). قابل یادآوری است این ذیل در منابع حدیثی منعکس نشده است. اولین بار علامه مجلسی این ذیل را به صوفیان نسبت داد؛ ولی معین نکرد در کدام یک از کتاب‌های صوفیان گزارش شده است (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۹۸، ص ۲۲۷). او معتقد بود ذیل دعای عرفه - که در «اقبال الاعمال» نقل شده است - از امام حسین (ع) نیست؛ زیرا اولاً، سید بن طاووس نویسنده «اقبال الاعمال»، دعای عرفه را در «مصباح‌الزائر» بدون این ذیل نقل کرده است. ثانیاً، کفعمی نیز

در «البلد الامین» دعای عرفه را بدون ذیل مذکور نقل کرده است. ثالثاً، این ذیل در برخی از نسخه‌های کهن «اقبال الاعمال» نیست. رابعاً، این ذیل به لحاظ سبک‌شناسی با سبک دعا‌های امامان (ع) همخوانی ندارد، بلکه با سبک سخنان صوفیه، تناسب و مشابهت دارد (همان، صص ۲۲۷-۲۲۸). جلال‌الدین همایی در یکی از آثار خویش بیان کرد که این ذیل بی‌کم و کاست در «الحکم العطائیه» ابن عطاء الله اسکندرانی از صوفیان قرن هفتم هجری ذکر شده است (همایی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۸).

ج) پرسش مأمون از امام رضا (ع)، نمونه دیگری از گزاره‌های حدیث‌انگاران است که برخی عالمان آن را حدیث تلقی کرده‌اند. مأمون خلیفه عباسی از امام رضا (ع) پرسید: چه دلیلی برخلافت جدت علی بن ابی طالب داری؟ امام رضا (ع) فرمود: آیه «انفسنا»^۱. در این آیه علی (ع) نفس پیامبر (ص) تلقی شده و جز پیامبری تمام ویژگی‌های پیامبر را داراست. مأمون گفت: استدلال شما در صورتی درست است که «نساننا» در آیه ذکر نشده باشد، یعنی «نساننا» که شامل همه زنان می‌باشد، قرینه‌ای است بر اینکه مقصود از «انفسنا» همه مردان است؛ در نتیجه فضیلتی برای علی (ع) نیست. امام رضا (ع) فرمود: اگر «ابنائنا» در آیه نبود سخن تو درست بود، ولی وجود «ابنائنا» قرینه است که مقصود از «انفسنا» همه مردان نیست؛ زیرا اگر مقصود همه مردان بود، دیگر نیازی به ذکر «ابنائنا» نبود (جاپلقتی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۳۰۲/ نمازی، ۱۴۱۸، ج ۱۰، ص ۱۱۸/ طیب، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۲۳۱/ نجفی خمینی، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۳۱۰/ صادقی، ۱۳۶۵، ج ۵، ص ۱۷۸/ طباطبایی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۲۵۲/ نجفی سبزواری، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۷۵).^۲ با بررسی‌ای که انجام شد مشخص گردید قدیمی‌ترین کتابی که که گزاره مذکور در آن منعکس شده «طرائف المقال» نوشته سید علی اصغر جاپلقتی بروجردی است.

د) تجهیز جنازه امام قبلی توسط امام بعدی: طبق برخی گزارش‌ها، بسیاری از شیعیان معتقدند که انجام غسل، تکفین، نماز بر جنازه امام (ع) و دفن او را امام بعدی عهده‌دار است (سید مرتضی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۱۵۷/ تبریزی، ۱۴۱۹، ص ۱۹/ عبدالعزیز طباطبایی، ۱۴۱۷، ص ۸۹/ رسولی محلاتی، ۱۳۸۰، ص ۹۷/ حسن بگی، ۱۳۹۳، ص ۷۱). براین اساس طبق گزاره‌های حدیث‌انگاران می‌گویند: تکفین و تدفین و نماز بر جنازه امام حسن (ع)، امام حسین (ع)، امام موسی بن جعفر (ع) و امام رضا (ع) را به ترتیب، امام حسین (ع)، امام سجاد (ع)، امام رضا (ع) و امام جواد (ع) انجام داده‌اند (مجلسی، ۱۳۸۰، ص ۳۸۰/ ابن سعد، ۱۴۱۷، ص ۸۹/ قمی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۶۱۶؛ ج ۲، صص ۳۱۷ و ۴۳۰/ مقرر، ۱۳۷۱، ص ۵۰۹/ حسن بگی، ۱۳۹۶، ص ۸۰). قابل یادآوری است، ریشه این گزاره‌های حدیث‌انگاران، باور کلامی (تجهیز جنازه امام قبلی توسط امام بعدی) است. مستند باور کلامی مذکور، احادیثی است (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، صص ۳۸۴-۳۸۵/ ابن بابویه، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۹۷/ راوندی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۴۶/ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۳۵۱/ حلی، ۱۳۷۰، ص ۱۳/ مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۲، صص ۲۸۸-۲۹۱؛ ج ۴، ص ۴۶؛ ج ۷، ص ۱۶۶؛ ج ۱۲۷) که دچار

۱. ﴿فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَنِسَاءَكُمُ وَنِسَاءَنَا وَأَنفُسَنَا وَأَنفُسَكُمْ

ثُمَّ نَبْتَهِلُ فَنَجْعَلُ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾ (آل عمران: ۶۱/۳).

۲. گفتنی است در منبع اخیر گزاره حدیث‌انگاران مذکور به «عیون اخبار الرضا(ع)» نسبت داده شده که صحیح نیست.

می‌شدند، امام علی (ع) پیش افتاده و نور چراغ‌ها را کم می‌کردند. یک بار حسن (ع) از پدر در باره دلیل این کار پرسید و حضرت فرمود: می‌ترسم کسی به خواهرت زینب نگاه کند (نقدی، ۱۴۰۴، ص ۲۲/اعلمی حائری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۷۰). قابل یادآوری است این متن در هیچ یک از منابع حدیثی یافت نشد و صرفاً برخی علمای معاصر به نقل آن اقدام کرده‌اند.

۳-۳-۳-۳-۳- تطبیق اشتباه

تطبیق اشتباه عامل دیگری در باز تولید گزاره‌های حدیث‌انگارانه است. به دو نمونه ذیل توجه شود:

الف) امام علی (ع) در خطبه ۱۳، ۱۴ و نامه ۱۸ به مذمت اهل بصره پرداخته است (رضی، بی‌تا، صص ۵۵-۵۶ و ۳۷۵-۳۷۶). یکی از نویسندگان می‌نویسد: به قرینه بعضی روایات که مدح فراوان از اهل بصره اعم از مردان و زنان و کودکان و بزرگان شده، امام مقطع خاصی از زمان را در نظر داشته است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۹، صص ۲۳۵-۲۳۴). قابل یادآوری است در منابع حدیثی شیعه^۱، گزارشی در مدح اهالی بصره از سوی امام علی (ع) دیده نمی‌شود. در نتیجه انتساب مدح و ستایش اهل بصره به امام علی (ع) مصداق گزاره حدیث‌انگارانه است.

ب) صدور توقیع و تشرف خدمت امام عصر (عج) در دوره غیبت کبری: بر پایه روایات متواتر و آخرین توقیع از سوی امام زمان (ع) که در سال ۳۲۹ ق. خطاب به علی بن محمد سمیری، صادر شد، امکان رؤیت امام عصر (عج) در غیبت کبری منتفی است (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۵۱۶/طوسی، ۱۴۲۵، ص ۳۹۵/دوزدوستانی، بی‌تا، ص ۷). از سوی دیگر برخی که به خداترسی شهره هستند، ادعای مشاهده کرده و گاه از امام عصر (ع) سخنانی نقل کرده‌اند. به نظر می‌رسد در بسیاری از موارد با فرض صحت سند و وثاقت ادعاکننده، تطبیق شخص مورد مشاهده و تصور صدور توقیع از سوی امام بر پایه محکمی استوار نیست. نویسندگانی بدون سند می‌نویسند: در سال ۴۱۰ و ۴۱۲ ق دو توقیع از سوی امام زمان (عج) برای شیخ مفید (۳۲۶-۴۱۳ ق)، صادر شد (طبرسی، ۱۴۲۲، ج ۲، صص ۵۹۶-۶۰۳). برخی عالمان در نقد گزارش مذکور می‌نویسند: اولاً، صدور توقیع از سوی امام (عج) در غیبت کبری مشکل است. ثانیاً، رساننده توقیع ناشناخته است. ثالثاً، ادعای مشاهده امام زمان در غیبت کبری نفی شده است. رابعاً، شیخ مفید در هیچ‌یک از آثار خویش اشاره‌ای به این دو توقیع نکرده است. خامساً، نجاشی و شیخ طوسی در شرح حال شیخ مفید اشاره‌ای به این دو توقیع نکرده‌اند. سادساً، در پایان توقیع دوم توصیه شده نسخه‌ای از این توقیع در اختیار افراد مورد اعتماد قرار داده شود. اکنون چرا شیخ مفید نسخه‌ای از این توقیع را در اختیار سید مرتضی و شیخ طوسی قرار نداده است؟ (بحرالعلوم، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۳۲۰/دوزدوستانی، بی‌تا، ص ۱۰۵). کاشف الغطاء نیز درباره ادعای

۱. ابن میثم بحرانی حدیثی مرسل از امام علی (ع) در مدح اهالی بصره نقل کرده است (مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۳۲، ص ۲۵۶). این حدیث علاوه بر ارسال سند، مخالفت آن با تاریخ مسلم است؛ زیرا بصره در قرن اول، دوم و سوم عثمانی مذهب بود. مورخان سخنانی از عالمان در باره عثمانی مذهب بودن اهل بصره و دشمنی آنان با علی (ع) نقل کرده‌اند (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۳۳۵ مادالابن ابی الحدید، بی‌تا، ج ۴، ص ۹۴/ذهبی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۳۶). اکنون چگونه می‌توان گزارش ابن میثم را پذیرفت؟

۶-۳-۳-۳-۳-۳-تسامح

یکی از زمینه‌های تولید گزاره‌های حدیث‌انگارانه، تسامح است. برخی در به کار بردن لفظ حدیث و نسبت آن به معصوم (ع)، خصوصا در جایی که آن گزاره از محدثان قدیم نقل شود، سخت‌گیری نمی‌کنند. برای مثال نویسنده‌ای در ذیل آیه شریفه ﴿إِذْ جَاءَ رَبُّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾ (صافات: ۸۴/۳۸)، می‌نویسد: در حدیث آمده است که امام (ع) فرمود: قلب سلیم قلبی است که خدا را در حالی دیدار کند که در آن احدی جز او نباشد (صفوی، ۱۳۷۸، ص ۴۴۹). نویسنده در این مورد، تفسیر قمی را به عنوان منبع معرفی کرده است. با مراجعه مشخص گردید که این سخن از قمی نویسنده تفسیر است و نه از معصوم (ع) (قمی، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۹۹).

۷-۳-۳-۳-۳-۳-تأثیر پذیری از آراء عالمان و مفسران

تکیه و اعتماد بر آراء عالمان سبب شده که برخی رأی و دیدگاه آنان را حدیث تلقی کنند. برای مثال عموم مفسران معتقدند آیه شریفه ﴿مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يُكُونَ لَهُ أَسْرَى حَتَّىٰ يُثَخَّنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (انفال: ۶۷/۸)؛ «هیچ پیامبری را سزاوار نیست که [برای اخذ فدیة از دشمنان] اسیرانی بگیرد، تا در زمین به طور کامل از آنان کشتار کند. شما متاع دنیا را می‌خواهید و خدا آخرت را می‌خواهد، و خدا شکست‌ناپذیر حکیم است»، می‌گویند: این که مسلمانان از اسرای جنگ بدر فدیة گرفتند و آزادشان کردند کار خلافی بود و کار صحیح این بود که همه اسرا را قتل عام کنند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۰، ص ۳۰/طوسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۵۶/طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۸۵۸/نجفی سبزواری، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۳۰۱/طیب، ۱۳۶۸، ج ۶، ص ۱۵۸). بر پایه برداشت مذکور، گزاره‌ای حدیث‌انگارانه‌ای مبنی بر این که «انبیا در جنگ، شکست خوردگان را اسیر نمی‌کردند، بلکه آنان را می‌کشتند» تولید شده است. توضیح آن که یکی از مفسران در تفسیر این آیه می‌نویسد: «سیره انبیای گذشته در جنگ‌ها این بود که هنگامی که با دشمنان می‌جنگیدند و بر آنان پیروز می‌شدند، شکست خوردگان را می‌کشتند تا دیگران عبرت گرفته و در صدد دشمنی با خدا و رسول الهی بر نیایند. انبیاء شکست خوردگان را به اسارت نمی‌گرفتند، بلکه آنان را می‌کشتند تا آن گاه که دینشان در میان مردم پابرجا شود، در آن هنگام مانعی نبود که شکست خوردگان را اسیر کنند و آنان را با گرفتن فدیة و یا بدون فدیة آزاد سازند». (طباطبایی، ۱۳۶۲، ج ۹، ص ۱۳۸). بر این اساس، فدیة گرفتن و آزادکردن اسیران جنگ بدر صحیح نبوده است. این که گفته شود: «سیره انبیا کشتن شکست خوردگان است»، گزاره‌ای حدیث‌انگارانه است؛ زیرا آیه شریفه قرآن در صدد بیان این مطلب است که برای هیچ پیغمبری روا نیست که در هنگام جنگ برخی از نیروهایش را صرف گرفتن اسیر کند؛ زیرا چنین کاری، سبب تضعیف توان رزمی سربازان گشته و احتمال شکست را بیشتر می‌کند، بلکه می‌بایست به جنگیدن ادامه دهند تا وقتی دشمن زمین گیر شود. آن هنگام می‌توانند دشمن شکست خورده را اسیر کنند. گفتنی است اگر مقصود از آیه این بود که می‌بایست اسیران را کشت و رهایی آنان با گرفتن فدیة شایسته نبود، می‌بایست عبارت آیه چنین باشد: «ما کان لنبی ان یأخذ الفداء من الاسرى و یطلقهم» و میان تعبیر آیه و این تعبیر تفاوتی روشن است (صالحی نجف آبادی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۴).

نتیجه‌گیری

این بررسی نشان داد که پیش از کار بست معیارهای نقد حدیث، لازم است حدیث گونه‌شناسی گردد. گزاره‌های حدیث‌انگارانه، یکی از انواع گزاره‌های حدیث‌نماست. این گزاره در اثر عشق و علاقه، تسامح‌ورزی، اهمیت موضوع، باورهای کلامی، خلط میان سخن عالمان با سخن معصوم (ع) و اعتماد به رویکرد عالمان، پدید می‌آیند. پدیداری این گزاره‌ها بدون سوء نیت از سوی تولیدکنندگان است. باورهای کلامی مهم‌ترین عامل پدیداری چنین گزاره‌های حدیثی است. بسیاری از این گزاره‌ها به دلیل هماهنگی با پیش‌فرض‌ها و باورهای کلامی در آثار علمی گسترش یافته و عالمان در بحث‌های خویش به چنین گزاره‌هایی استناد می‌کنند. هماهنگی با باورها کلامی و پیش‌فرض سبب گردیده که چنین گزاره‌هایی در گردونه اعتبارسنجی وارد نگشته و چنین گزاره‌هایی، گزاره‌های حدیثی اصیل تلقی گردند.

منابع و مأخذ

قرآن كريم

- نهج البلاغة؛ رضی، محمد بن الحسين؛ قم: مؤسسة دار الهجرة، بی تا.
١. ابن ابی الحديد، عبد الحمید بن محمد؛ شرح نهج البلاغة؛ تهران: جهان، بی تا.
 ٢. ابن اثیر، علی بن ابی الكرام؛ اسد الغابة؛ تهران: اسماعیلیان، بی تا.
 ٣. _____؛ الكامل فی التاريخ؛ بیروت: دار صادر، ١٣٨٥ق.
 ٤. ابن بابویه، محمد بن علی؛ الاعتقادات؛ قم: المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید، ١٣٧١ ش.
 ٥. _____؛ عیون اخبار الرضا؛ بیروت: اعلمی، ١٤٠٤ق.
 ٦. _____؛ کمال الدین و تمام النعمة؛ تصحیح علی اکبر غفاری، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ١٤٠٥ق.
 ٧. ابن بکار، زبیر بن بکار؛ الاخبار الموقفات؛ قم: شریف الرضی، ١٣٧٤ش.
 ٨. ابن سعد، محمد؛ الطبقات الکبری؛ بیروت: دارالفکر، ١٤١٤ق.
 ٩. _____؛ ترجمة الامام الحسن (ع) من القسم غیر المطبوع من کتاب الطبقات الکبری؛ به کوشش السید عبدالعزیز الطباطبائی، قم: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، ١٤١٧ق.
 - ١٠.
 ١١. ابن شهر آشوب، محمد بن علی؛ مناقب آل ابی طالب؛ نجف: مطبعة الحیدرية، ١٣٧٦ق.
 ١٢. ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر؛ بلاغات النساء؛ قم: الشریف الرضی، بی تا.
 ١٣. ابن هشام، عبد الملک بن هشام؛ السيرة النبوية؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
 ١٤. ابن کثیر، اسماعیل؛ البداية و النهاية؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ١٤٠٨ق.
 ١٥. ابوریة، محمود؛ اضواء علی السنة المحمدية؛ قم: انصاریان، ١٤٢٠ق.
 ١٦. اربلی، علی بن عیسی؛ کشف الغمة فی معرفة الائمة؛ بیروت: دارالاضواء، ١٤٠٥ق.
 ١٧. اصفهانی، ابوالفرج؛ مقاتل الطالبیین؛ قم: شریف الرضی، ١٣٧٤ش.
 ١٨. اعلمی حائری، محمدحسین؛ تراجم اعلام النساء؛ بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ١٤٠٧ق.
 ١٩. افندی، عبد الله بن عیسی بیگ؛ ریاض العلماء و حیاض الفضلاء؛ بیروت: مؤسسة التاريخ العربی، بی تا.
 ٢٠. امین، محسن؛ اعیان الشیعة؛ بیروت: دار التعارف، ١٤٠٣ق.
 ٢١. امینی، ابراهیم؛ خودسازی یا تزکیه و تهذیب نفس؛ قم: انتشارات شفق، ١٣٧٢ش.
 ٢٢. امینی، عبدالحسین؛ الغدير؛ قم: مرکز الغدير للدراسات الاسلامیة، ١٤١٦ق.
 ٢٣. بحر العلوم، محمد مهدی؛ الفوائد الرجالية؛ طهران: مكتبة الصادق، ١٣٦٣ش.
 ٢٤. بخاری، محمد بن اسماعیل؛ صحیح البخاری؛ بیروت: دارالفکر، ١٤٠١ق.
 ٢٥. بروجردي، حسین؛ الاحادیث المقلوبة و جواباتها؛ قم: مؤسسه فرهنگي دارالحدیث، ١٣٧٤ش.
 ٢٦. بلاذری، احمد بن یحیی؛ انساب الاشراف؛ بیروت: دار الفکر، ١٤٢٤ق.

۲۷. تبریزی، جواد؛ *رسالة في امامة الائمة الاثني عشر*؛ قم: دار الصديقة الشهيدة، ۱۴۱۹ ق.
۲۸. ثقفی تهرانی، محمد؛ *تفسیر روان جاوید*؛ تهران: انتشارات برهان، ۱۳۹۸ ق.
۲۹. جابلقی، علی اصغر؛ *طرائف المقال*؛ قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۱۰ ق.
۳۰. حر عاملی، محمد بن الحسن؛ *وسائل الشیعة*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۳۱. حسن بیگی، علی؛ «بازکاوی تأثیر حدیث و باورهای کلامی بر تولید گزاره‌های تاریخ‌انگارانه»؛ پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، سال ۴۷، ش ۱، ۱۳۹۳ ش، صص ۶۷-۸۹.
۳۲. _____؛ «رهیافتی بر تأثیر باورهای کلامی بر ارزیابی سند و متن حدیث»؛ پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال ۴۹، شماره ۲، ۱۳۹۵ ش، صص ۲۰۷-۲۲۹.
۳۳. _____؛ «واکاوی تأثیر باور کلامی مورخان مسلمان بر همانندسازی میان جنگ‌های خلفا و پیامبر اسلام (ص)»؛ مجله پژوهش‌های اعتقادی کلامی، سال ۴، ش ۱۵، پاییز ۱۳۹۳، صص ۷-۳۰.
۳۴. _____ و مهدوی‌فرد، عباس؛ «واکاوی دیدگاه اهل بیت به فتوحات صدر اسلام»؛ مطالعات جنگ، دانشگاه اراک، سال ۲، ش ۲، ۱۳۹۷ ش، صص ۴۹-۶۸.
۳۵. _____؛ *آسیب شناسی نقد و تحلیل تاریخ با تأکید بر تاریخ اسلام*؛ اراک: دانشگاه اراک، ۱۳۹۶.
۳۶. حسینی طهرانی، محمدحسین؛ *روح مجرد*؛ تهران: انتشارات حکمت، ۱۴۱۴ ق.
۳۷. _____؛ *معاد شناسی*؛ مشهد: انتشارات نور ملکوت، ۱۴۲۰ ق.
۳۸. حسینی طهرانی، محمد صادق؛ *نور مجرد*؛ ج ۱، مشهد: انتشارات علامه طباطبائی، ۱۴۳۳ ق.
۳۹. _____؛ *نور مجرد*؛ ج ۲، مشهد: انتشارات علامه طباطبائی، ۱۴۳۷ ق.
۴۰. حکیم زاده، فرزانه؛ *شیوه استفاده از متون تاریخی*؛ تهران: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۰ ش.
۴۱. حلّی، جعفر بن حسن؛ *معارج الاصول*؛ قم: مؤسسه آل‌البیت (ع) ۱۴۰۳ ق.
۴۲. حلّی، حسن بن یوسف؛ *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۴۳. حلّی، حسن بن سلیمان؛ *مختصر بصائر الدرجات*؛ نجف: المطبعة الحیدریة، ۱۳۷۰ ق.
۴۴. خطیب بغدادی، احمد بن علی؛ *الکفایة فی علم الروایة*؛ بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۵ ق.
۴۵. _____؛ *تاریخ بغداد*؛ بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ ق.
۴۶. خمینی، سید روح‌الله؛ *المکاسب المحرمة*؛ قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۰ ق.
۴۷. خویی، ابوالقاسم؛ *کتاب الطهارة*؛ قم: لطفی، ۱۴۱۱ ق.
۴۸. _____؛ *مصباح الاصول*؛ به کوشش: محمد سرور بهسودی، قم: مکتبه الداوری، ۱۴۱۷ ق.
۴۹. _____؛ *معجم رجال الحدیث*؛ قم: مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ ق.
۵۰. دوزدوزانی، یدالله؛ *تحقیق لطیف حول التوقیع الشریف*؛ بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
۵۱. ذهبی، محمد بن احمد؛ *میزان الاعتدال*؛ بیروت: دار المعرفه، بی‌تا.

۵۲. راوندی، قطب الدین سعید بن هبة الله؛ *الخرائج و الجرائح*؛ قم: مؤسسة الامام المهدي، بی تا.
۵۳. رسولی محلاتی، هاشم؛ *ترجمة مقاتل الطالبیین*؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۵۴. رضوی اردکانی، ابوفاضل؛ *شخصیت و قیام زید بن علی*؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵ ش «الف».
۵۵. _____؛ *ماهیت قیام شهید فخر*؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵ ش «ب».
۵۶. رفیعی، علی؛ *تحلیلی از تاریخ دوران دهمین خورشید امامت امام هادی (ع)*؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۷۳ ش.
۵۷. نجفی سبزواری، محمد؛ *الجدید فی تفسیر القرآن*؛ بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ ق.
۵۸. سید بن طاووس، علی بن موسی؛ *اقبال الاعمال*؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ش.
۵۹. سید مرتضی، علی بن الحسین؛ *رسائل المرتضی*؛ قم: دار القرآن الکریم، ۱۴۰۵ ق.
۶۰. شبیری زنجانی، موسی؛ *جرعه ای از دریا*؛ قم: مؤسسه کتاب شناسی شیعه، ۱۳۹۳ ش.
۶۱. شعرانی، ابوالحسن؛ *در کربلا چه گذشت*؛ تهران: ترجمه نفس المهموم، آدینه سبز، ۱۳۹۱ ش.
۶۲. صادقی، محمد؛ *الفرقان فی تفسیر القرآن*؛ تهران: انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ ش.
۶۳. صالحی نجف آبادی، نعمت الله؛ *حدیث های خیالی در مجمع البیان به همراه چهار مقاله تفسیری*؛ تهران: انتشارات کویر، ۱۳۸۴ ش.
۶۴. صدر، حسن؛ *تأسیس الشیعة*؛ تهران: اعلمی، بی تا «الف».
۶۵. _____؛ *نهایة الدراية*؛ بی جا: نشر المشعر، بی تا «ب».
۶۶. صفوی، محمدرضا؛ *ترجمه قرآن بر اساس المیزان همراه با توضیحات و نکات تفسیری*؛ قم: نشر فقه، ۱۳۷۸ ش.
۶۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ *المیزان فی تفسیر القرآن*؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
۶۸. _____؛ *شیعه در اسلام*؛ قم: دار التبلیغ اسلامی، ۱۳۴۸ ش.
۶۹. طبرسی، احمد بن علی؛ *الاحتجاج*؛ تهران: اسوه، ۱۴۲۲ ق.
۷۰. طبرسی، فضل بن الحسن؛ *اعلام الوری بأعلام الهدی*؛ تهران: المكتبة العلمية الاسلامية، ۱۳۳۸ ش.
۷۱. _____؛ *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*؛ تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۷۲. طبری، محمد بن جریر؛ *تاریخ الطبری*؛ بیروت: دار التراث، بی تا.
۷۳. _____؛ *جامع البیان فی تفسیر القرآن*؛ بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۲ ق.
۷۴. طوسی، محمد بن حسن؛ *الغیبة*؛ قم: دار المعارف الاسلامیه، ۱۴۲۵ ق.
۷۵. _____؛ *تهذیب الاحکام*؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
۷۶. _____؛ *الاستبصار*؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ ش.
۷۷. _____؛ *عدة الاصول*؛ قم: تیزهوش، ۱۳۷۵ ش.
۷۸. _____؛ *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۷۹. طیب، عبد الحسین؛ *اطیب البیان*؛ تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۸۸ ش.

۸۰. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله؛ *اللوامع الالهية*؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۸۱. قرشی، علی اکبر؛ *قاموس قرآن*؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۵۲ ش.
۸۲. قمی، شیخ عباس؛ *منتهی الآمال*؛ قم: هجرت، ۱۳۸۴ ش.
۸۳. _____؛ *مفاتیح الجنان*؛ تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۶ ش.
۸۴. قمی، علی بن ابراهیم؛ *تفسیر القمی*؛ قم: دار الحجة، ۱۴۲۶ ق.
۸۵. کاشف الغطا، جعفر؛ *حق المبین فی تصویب المجتهدین و تخطئة الاخباریین*؛ تهران: احمد شیرازی، بی تا.
۸۶. کلینی، محمد بن یعقوب؛ *الکافی*؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ق.
۸۷. مجلسی، محمد باقر؛ *بحار الانوار*؛ تهران: المكتبة الاسلامیه، ۱۳۸۶ ش.
۸۸. _____؛ *جلاء العیون*؛ قم: سرور، ۱۳۸۰ ش.
۸۹. محسنی، محمد آصف؛ *مشرة البحار*؛ قم: مکتبه العزیزی، ۱۴۲۳ ق.
۹۰. _____؛ *معجم الاحادیث المعتبرة*؛ قم: نشر ادیان، ۱۳۹۲ ش.
۹۱. مسعودی، عبدالهادی؛ *وضع و نقد حدیث*؛ تهران: سمت، ۱۳۸۸ ش.
۹۲. مسلم، مسلم بن حجاج؛ *صحیح مسلم*؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۹۳. مظفر، محمدرضا؛ *عقائد الامامیه*؛ تهران: بی تا، بی تا.
۹۴. معارف، مجید؛ *تاریخ عمومی حدیث*؛ تهران: انتشارات کویر، ۱۳۷۷ ش.
۹۵. مفید، محمد بن محمد؛ *الارشاد*؛ ترجمه محمد باقر ساعدی، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۹۶. مقرر، سید عبدالرزاق؛ *سالار کربلا*؛ ترجمه مرتضی فهم کرمانی، قم: سیدالشهدا، ۱۳۷۱ ش.
۹۷. مکارم شیرازی، ناصر؛ *پیام امام*؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ ش.
۹۸. منتظری، حسینعلی؛ *البدر الزاهر*؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۹۹. نجاشی، احمد بن علی؛ *رجال النجاشی*؛ قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ ق.
۱۰۰. نجفی خمینی، محمدجواد؛ *تفسیر آسان*؛ تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۹۸ ق.
۱۰۱. نجفی سبزواری، محمد بن حبیب الله؛ *الجدید فی تفسیر القرآن المجید*؛ بیروت: دار التعارف، ۱۴۰۶ ق.
۱۰۲. نقدی، جعفر؛ *زینب الکبری*؛ قم: مکتبه المفید، ۱۴۰۴ ق.
۱۰۳. نمازی، علی؛ *مستدرک سفینه البحار*؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ ق.
۱۰۴. نوری، حسین؛ *مستدرک الوسائل*؛ قم: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ق.
۱۰۵. همایی، جلال الدین؛ *مولوی نامه*؛ تهران: مؤسسه انتشارات آگاه، ۱۳۶۲ ش.
۱۰۶. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب؛ *تاریخ الیعقوبی*؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۳ ق.
۱۰۷. یوسفی غروی، محمدهادی؛ *موسوعة التاريخ الاسلامی*؛ قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۳۳ ق.